

گلِ بادام

گلِ بادام، ای سپیدِ سپید
با خود آورده‌ای ز عید نوید

تو هم، ای تازه سنبِلِ خوشبو
قصه‌ی عید و نوبهار بگو
نرگس، ای تاج زر نهاده به سر
جوی را دادی از بهار خیر
لاله، ای سرخ روی باغ و چمن
ای به لبخند باز کرده دهن
حرفی از نوبهار می‌گویی
چون به دامانِ دشت می‌روی
بید بُن بیقرار آمده است
شادی نوبهار آمده است
سایه پرور درختِ خانه ما
نارون! چتر خویشتن بگشا

ای بهار، ای بهارِ سبز! بیا
تو بیا جاودان به خانه‌ی ما